

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: فیصل جلول، تحلیلگر لبنانی ساکن فرانسه
برگردان از: احمد مزارعی
۲۵ دسمبر ۲۰۱۸

ائتلاف کردی و عربی برای پایان دادن به آخرین مرحله جنگ سوریه



کردهانی که در سالهای اخیر در برابر مبارزه با "داعش" از حمایت امریکا برخوردار شدند تا پس از تغییر دولت سوریه به موقعیت فدرالیسم و یا حکومت غیر متمرکز در دولت آینده سوریه ارتقاء پیدا کنند، اما، اکنون متحمل بیشترین زیانها شده اند. آنها هیچ وقت فکر نمی کردند که به یکباره در میانه راه بدون هیچ فریادری و در محاصره ترکیه رها شوند و هم این که تنها راهشان این باشد که به رابطه سابق خود با دولت سوریه بازگردند.

بسیاری بر این باور اند که می توان به اتحاد مابین کرد ها و اعراب نه فقط منحصرأ در سوریه بلکه در همه جا امید داشت.

اکنون در شمال سوریه اوضاع با روشنی تمام خود را نشان می دهد. ترمپ تصمیم گرفته است که تا دوماه دیگر نیروهایش را از سوریه خارج کند و مأموران وزارت خارجه امریکانیز در ۲۴ ساعت به امریکا باز گردند. از بهار گذشته انتظار خروج امریکا از سوریه می رفت و حتی امکان داشت که مستقیماً بعد از پایان انتخابات انجام گیرد. ترمپ بعد از انتخابات بارها تکرار نمود و علت را مسأله مالی ذکر می کرد عربستان سعودی مخارج مالی را تا مدتی پرداخت نمود اما به علت جنگ یمن نتوانست ادامه بدهد و در این برهه ترمپ قانع شده بود که جنگ در سوریه بیهوده است

وتنها برای رقابت با اردوخان و دشمنی که با ایران داشت مدتی به جنگ ادامه داد و بهتر است بگوئیم ترمپ نیروهایش را "کرایه ای" برای مدت نامعلومی ادامه می داد.

پس از خروج امریکا از سوریه، اسرائیل، اروپا و کردها ضرر خواهند کرد. اولی و دومی به خاطر تغییر اساسی که از نظر ژئوپولیتیک عمومی اتفاق خواهد افتاد و ارزش ستراتیژیک دولت عبری (منظور دولت صهیونیستی اسرائیل) را تضعیف خواهد کرد. در مورد اروپا باید گفت که نظر به جغرافیای سیاسی که اروپا بعد از جنگ جهانی اول و دوم برای کشورهای مشرق عربی بر اساس منافع خودشان ترسیم نمودند تا این کشورها به طور پنهان در تبعیت سیاسی اروپا باشند، از این پس از میان خواهد رفت.

اما در این میان کردها بیشترین ضرر را خواهند کرد کردهائی که در سالهای اخیر در برابر مبارزه با "داعش" از حمایت امریکا برخوردار شدند تا پس از تغییر دولت سوریه به موقعیت فدرالیسم و یا حکومت غیر متمرکز در دولت آینده سوریه ارتقاء پیدا کنند، اما، اکنون متحمل بیشترین زیانها شده اند. آنها هیچ وقت فکر نمی کردند که به یکباره در میانه راه بدون هیچ فریادرسی و در محاصره ترکیه توسط امریکا رها شوند و هم این که تنها راهشان این باشد که به رابطه سابق خود با دولت سوریه بازگردند.

این اولین باری نیست که کردها در سوریه و عراق از قدرتهای بزرگ جهانی ضربه می خورند. در جریان دوره جنگ سرد گاهی با روسیه و یا با امریکا (در زمان شاه امریکائی) متحد می شدند و هر کدام پیروز می شدند ضربه می کردند، و هنگامی که با اسرائیل در موضوع استقلال کردستان عراق متحد شدند اینبار به خصوص در کرکوک با سر به قهقرا در غلتیدند. (۱)

نمی دانم رهبران حزب کارگران کردستان در برابر خروج امریکا از سوریه چه عکس العملی خواهند داشت، آیا با ارتش ترکیه به جنگ خواهند پرداخت و یا این که به کوههای قندیل می روند جائی که به طور دائم در زیر بمبارانهای ترکیه قرار دارند؟

تزلزلی که اکنون بر موضعگیری کردها پس از ستراتیژی خروج امریکا حاکم است، از یک سو آب به آسیاب ترکها خواهد ریخت و از طرفی برای دولت سوریه ضرری بزرگ خواهد داشت و ضروری است تا کردهائی که در سوریه به سر می برند ستراتیژی خود را بر استنادات و دستاوردهای زیر قرار دهند:

یکم: می توانند با روسیه که برنده اصلی بین المللی در جنگ سوریه پس از خروج امریکا از شمال سوریه، است هماهنگ کنند، قبل از اینهم کردها دفتر هماهنگی در مسکو افتتاح نمودند، اما با وعده های امریکا دفتر را تعطیل نمودند به ویژه که روسیه در گذشته و حال با دولت سوریه همکاری می کنند، البته دولت سوریه حاضر نبوده و نیست تا فدرالیسم و یا خودمختاری و مشابه آنها را بپذیرد و احتمال اینهم نمی رود که دولت سوریه فشارها و یا دعوت روسیه را در اینگونه موارد بپذیرد (قانون اساسی)، اما کردها می توانند امیدوار باشند تا از طریق روسیه بعضی مطالبات ویژه ای در چهارچوب دولت سوریه به دست آورند، امری که با تناسب موازنه نیروها در شرایط فعلی برای دولت سوریه قابل قبول است. زیرا امکان ندارد که خودمختاری را با هم پیمانی امریکا و بدون آن همزمان بدست بیاورند.

دوم - کردها می توانند از طریق ایران و یا با حزب کارگران کردستان که همچنان روابطی با دولت سوریه دارند و یا از طریق دوطرف هماهنگی کرده و در مورد مناطق کردنشین بعد از جنگ به توافقاتی برسند.

بازگشت مجدد کردهای سوریه، منظورم حزب کارگران کردستان (۲) به سالهای اول ارتباطش با دولت سوریه، می تواند موقعیت طرفین را نه فقط در موضوع پرکردن خلأ به وجود آمده بعد از خروج امریکا از شمال سوریه، ضعف اسرائیل و عقب نشینی عربستان را پر کند، بلکه می تواند در مقابل با فشارهای دولت ترکیه در مرزهای سوریه نیز مفید

واقع گردد. تعهدسپردن کردها به کار کردن تحت سیادت دولت سوریه و حکومت دمشق می تواند دستاویزهایی را که دولت ترکیه به وسیله آن ارتش خود را وارد خاک سوریه می کنند، از دستش بگیرد.

سوم – کردها می توانند نقش تازه ای را در نقشه سیاسی سوریه با استناد به ادامه مبارزه ستراتیژیک خود با داعش و استفاده از این برگ برنده در باز گرداندن رابطه خود با روسیه و دولتهای سوریه و ایران ، موقعیتی تازه در درون مشروعیت دولت سوریه به دست بیاورند.

چهارم – انتقال ستراتیژیک از رابطه با امریکا به سوی رابطه با دمشق به ویژه محور مقاومتی که برنده اصلی در جنگ علیه سوریه بوده است ، مستلزم این است که کردها در عین حال از گروههایی که امریکا از آنها تحت عنوان دروغین و فریبکارانه دموکراسی، آزادی و برابری استفاده می کرده است دوری گزینند، به ویژه این که این گروهها همچنان به عملیات قتل و کشتار تاکتیکی و محدود دست می زنند و در نتیجه نمی توان با آنها هم پیمانی ستراتیژیک داشت.

می توان گفت دوری گزیدن کردها از این گروهها از نظر دولت سوریه به مثابه حسن نیتی به حساب خواهد آمد که مایل است یک بار دیگر سیادت کامل خود را بر سراسر سرزمین خود کامل کند .

با حرکت عملی از محورهای فوق ، برای کردها امکان دارد که صفحه تازه ای را با حکومت شرعی و قانونی سوریه باز کنند و بدین شکل مانع هجوم گسترده ارتش ترکیه شده که همزمان خطری جدی برای دو قومیت کرد و عرب خواهد بود .

همچنان کسانی هستند که به اتحاد کرد و عرب و نه انحصاراً در سوریه بلکه در همه جا باوردارند، این دوقومیت در هزار سال گذشته در هم ادغام بوده اند و به جز در موارد خاصی فرق گذاری میان آنها مشکل بوده است . برابری کردها و عربها برای طرفین بسیار مفید بوده است تا زمانی که هر دوی آنها در زیر سلطه کشورهای بیگانه سقوط کردند و همانها به اختلاف میان آنها و تقسیم کردنشان به گروهها و سلطنتهای گوناگونی اقدام نمودند، هر گروهی با جفت دیروزی خود به جنگ پرداخت تا طرح توهمی و تمدنی غربی تازه ای را ترسیم کنند که هیچ ارزشی در مسیر حرکت تاریخی ما نداشت.

در شروع جنگ امریکا علیه سوریه این فرضیه را با صالح مسلم رهبر سیاسی کردها، که در یک جمع مذاکراتی در کانال تلوزیونی ۲۴ فرانسه ۲۴ با هم شرکت داشتیم مطرح نمودم ، سپس با یک دیگر برای صرف شام به دفتر هیثم مناع (رئیس فعالان حقوق بشر عرب در اروپا مترجم) رفتیم ، احساس کردم که این رهبر کرد نیز نظر مرا دارد، قول دادم که این موضوع را با نماینده صالح مسلم ، خالد عیسی در پاریس بحث نمایم و متوجه شدم که ایشان نیز با ما هم نظر می باشند و اگر این باب سالها پیش و در شروع جنگ علیه سوریه بر روی ما باز بوده است ، می توانیم از همان باب اول دوباره در بزیم و وارد شویم و از این طریق آخرین صفحه پایانی جنگ سوریه را به پایان ببریم.

۲۳ دسمبر ۲۰۱۸

زیر نویسها و توضیح مترجم:

(۱) – «پیک نت» اینترنتی چندی پیش چاپلوسانه به تعریف از بارزانی و اقدامات خردمندانه وی برخاست و کلی تعریف و توصیف و به قول ضرب المثیل معروف که «خان ما بگی داشت بگ ما سگی داشت» بارزانی خود «ژنتیکی» مزدور امریکا و اسرائیل است و اکنون پیک نت به تعریف تهوع آوری از بارزانی و صالح رئیس جمهور عراق برخاسته است، چند روزی هم با رمز و راز، زمزمه می کردند که کشتار «الاهوازیها» در ایران کار سپاه پاسداران بوده و خلاصه خدا

لعنت کند شیکل اسرائیلی ودالر امریکائی ، معلوم نیست چگونه می توان هم طرفدار خسروروزبه واحسان طبری وشاملو بود وهم چاپلوس بارزانی اسرائیلی.

به قول حضرت عمر خیام: «یک دست به مصحفیم ویک دست به جام»

(۲) – اساس پیدایش حزب کارگران وکشاورزان ترکیه به سالهای نود بازمی گردد که با پیشنهاد قدری جمیل رئیس حزب کمونست سوریه وحافظ اسد، عبدالله اجلان، شخصیت کمونیست وانقلابی کرد مخفیانه به سوریه آمد وبا کمک یک سرمایه دار کرد ودولت سوریه اردوگاه بزرگی را ایجاد کردند وافسران ارتش سوریه وکادرهای حزب کمونیست سوریه نزدیک به ده هزار نفر چریک کرد درمنطقه دره بقاع لبنان تربیت وآماده مبارزه با دولت ترکیه درجهت استقلال خود نمودند، چند سال بعد قدری جمیل کتابی دراینمورد تألیف ومنتشر کرد، نام کتاب را اکنون به یاد ندارم.